

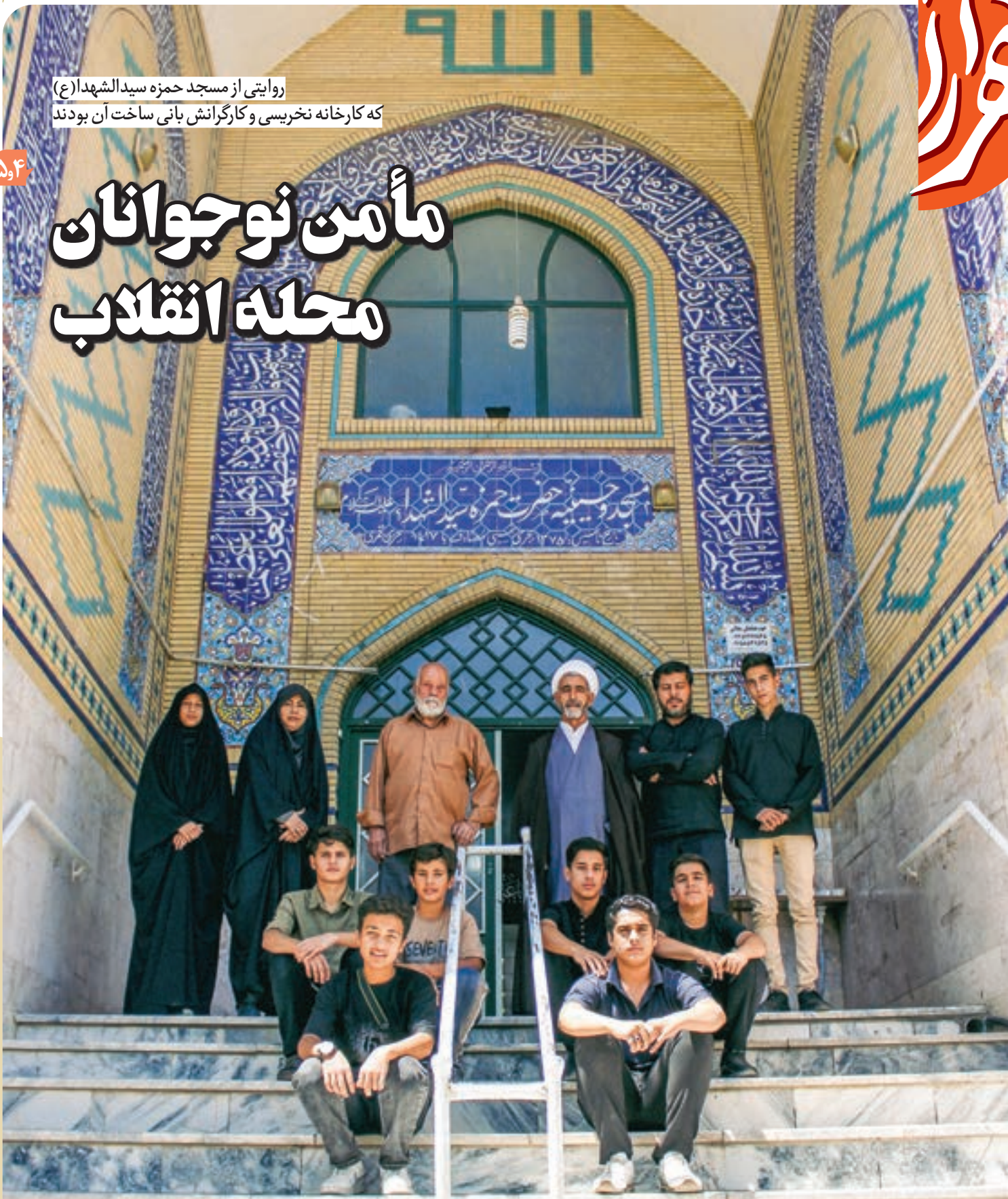


روایتی از مسجد حمزه سیدالشهدا (ع)

که کارخانه نخریسی و کارگرانش بانی ساخت آن بودند

۵۴

مؤمن نوجوانان محله انقلاب



عکس: فاطمه جاهدی/شهرآرا

ابوالفضل غفوری نیم قرن خاطراتش
از محله سرشور را مرور می‌کند

همسایگی با
قبرستان روس‌ها

۶



۳

بانوان بوستان شهربانوی کوهسنگی
از کمبود امکانات این مکان گلایه مندند
صف کشیدن جلوی آبخوری

۷

روایت وقفی که به خاطره‌ای ماندگار
تبدیل شده است
بفرمایید آب سرد

همسایه به همسایه، دیدار هفدهم، قائم ۴۲

دلگرم به «مادر» میلان

سمیرا منشادی همسایه های کوچه قائم ۴۲ سال هاست که در کنار یکدیگر زندگی می کنند. بهانه آشنایی شان دوره قرآنی بوده است که در کوچه داشته اند و هنوز هم در خانه بانوان برقرار است؛ دوره قرآنی که باعث برکت، خیر و رحمت بوده و سبب شده است این همسایه ها برای فعالیت های خیرخواهانه اقدام کنند. آن ها عضو گروه خیرانی شده اند که برای افراد نیازمند و بیماران دارو و هزینه درمان جمع می کنند. با اینکه بافت کوچه با ساخت و سازهای جدید تغییر کرده و برخی از ساکنان جدید و به ویژه آپارتمان نشین ها کمتر با همسایه ها ارتباط دارند، ارتباط همسایه های قدیمی محله خلج صفا و صمیمیتی دارد که در این سال ها حفظ شده است.

●●● روضه بی ریا عذرا خانم

عذرا سادات موسوی علی آبادی هجده سال است که در این محله با همسایه های ارتباطی نزدیک تر از خواهر دارد. آن ها را سال هاست که می شناسد و واسطه آشنایی شان، روضه ای است که در دهه آخر صفر ۱۴۰۰ روز در خانه اش برپا می کند. او که بسیار خونگرم و معاشرتی است، وقتی تازه به این کوچه نقل مکان کرده بود، از همسایه ها خواست که به روضه اش بیایند. مراسم روضه خانه عذرا خانم، به نیت ظهور آقا امام زمان (عج) برپا می شود. در این مراسم، علاوه بر همسایه های محله، اهالی محله از چند کوچه آن طرف تر هم شرکت می کنند. او می گوید: همسایه های با محبتی دارم. همه کارها را با کمک و همکاری هم انجام می دهیم. در طول روضه علاوه بر دختران و نزدیکانم، همسایه ها هم برای خدمت به صاحب روضه از هیچ خدمتی دریغ نمی کنند. برای تهیه و پخت دیگ آشی که هر ساله می پزم، آن ها از صبح زود در خانه مان جمع می شوند و با جان و دل همراهی می کنند.

●●● صمیمیت مثال زدنی

موسوی علی آبادی، از همان سالی که به این کوچه آمده با نیره شیرازی ارتباط گرفته است. شیرازی از دهه ۷۰ در این کوچه ساکن شده و با اینکه بارها برای او و خانواده اش موقعیتی ایجاد شده است که به محله ای دیگری بروند، به خاطر صفا و صمیمیتی که در این محله بوده تصمیم گرفته است اینجا بماند. نیره خانم با همسایه های خوش و بش و در خلال صحبت مدام از آن ها تعریف و تمجید می کند. می گوید: صفا و صمیمیتی که بین همسایه های قدیمی وجود دارد، مثال زدنی است. ما از صبح که چشم باز می کنیم، در کنار هم هستیم تا شب. رفتن به اردو، زیارت حرم مطهر رضوی، فعالیت در بسیج مسجد و گروه خیریه را با هم انجام می دهیم. او و همسایه های شان عضو گروه خیریه ای هستند که برای بیماران دارو و هزینه درمان جمع می کنند. نیره خانم شیرازی توضیح می دهد: کمک به کار خیر حس خوبی به ما می دهد. گاهی که فردی نیازمند به من مراجعه می کند، موضوع را در گروه خیریه و بین همسایه ها مطرح می کنم و هر کدام به اندازه توان مالی شان کمک می کنند.

●●● مادر میلان

شیرازی حین تعریف از همسایه ها و محبت هایشان، از عصمت صادق رزق آبادی نیز صحبت می کند: خواهر شهیدی که هر کمکی برای اهالی کوچه از دستش برپاید، دریغ نمی کند. آن قدر با محبت است که مادر میلان (کوچه) صدایش می کنند. هنگامی که به او می گویم از لقبی که به او داده اند با خبر است یا خیر، با خنده ای که نشان می دهد از آنچه اهالی گفته اند راضی است. می گوید: بعضی ها می گویند «مادر میلان»، بعضی ها هم می گویند «کلانتر کوچه».

عصمت خانم و خانواده اش از سال ۱۳۸۰ در این کوچه ساکن شده اند. از همان روزی که آمده است، اهالی کوچه متوجه شده اند که دست به خیر دارد و کمک کردن در ذاتش است. او می گوید: یکی که سبزی می خرد، برای تمیز کردن به کمکش می روم؛ آن یکی دیگ نذری دارد برای پخت و پز کمک می کنم. گاهی که یک نفر خوراکی برای فروش می آورد، همه اهالی را با خبر می کنم تا برای خرید بیایند. همسایه ای که به مسافرت می رود، کلیدش را می دهد تا به خانه اش سر بزنم و از گل هایش مراقبت کنم.



افتتاح موقت برای میزبانی از ۲ هزار زائر

بهره برداری موقت از ایستگاه دائمی استقبال از زائران در محور نیشابور - مشهد در دهه پایانی صفر امسال انجام خواهد شد. ظرفیت هم زمان میزبانی از ۲ هزار زائر پیاده در دهه پایانی صفر در این ایستگاه دائمی فراهم شده است. این پروژه در حال حاضر بیش از ۹۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشته است.



«پایه هستی» در بوستان ریحانه

همایش رایگان دو چرخه سواری ویژه بانوان و دختران با عنوان «پایه هستی»، ساعت ۸ صبح روز پنجشنبه، ۹ مرداد در بوستان شهر بانوی ریحانه برگزار می شود و حضور در آن برای عموم رایگان است. علاقه مندان می توانند با دو چرخه شخصی خود در این همایش شرکت و لحظاتی شاد و سالم را در کنار دیگر بانوان تجربه کنند.

آمادگی بهداشتی برای دهه آخر صفر

در جلسه شورای بهداشت منطقه ۷ مسائل بهداشتی برای دهه آخر صفر بررسی شد. در این جلسه به تصویب رسید که با همکاری شرکت آبفا و مرکز بهداشت شماره ۵ مشهد از مخازن آب شرب موکب ها بازدید شود. علاوه بر این، در راستای ارتقای آگاهی عمومی، نصب بنرهای آموزشی درباره بهداشت آب و غذا در شهر و مسیر پیاده روی زائران آغاز شده است.



این بار طرح «چهارشنبه های خدمت»، متفاوت برگزار شد

رسیدگی به مشکلات مردم در منزل شهدا

فرامرزی با حضور حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسینی اخلاقی نماینده مردم مشهد در مجلس شورای اسلامی، رضا داوری شهردار منطقه ۷، اعضای شورای اجتماعی محله انقلاب، فرماندهان پایگاه بسیج و ائمه جماعات، دیدار چهارشنبه های خدمت این هفته در منزل خانواده شهید غلامحسین رحمتی برگزار شد. شهردار منطقه ۷ در این باره گفت: در این جلسه، اهالی محله انقلاب، مشکلات خود از جمله مسئله اسناد املاک قولنامه ای را مطرح کردند و خواستار رفع این مشکل شدند. داوری افزود: نبود سالن ورزشی و زمین چمن در پارک طرق، از دیگر مطالبات مهم مردم محله بود. از آنجا که زمین ورزشی پارک طرق تحت نظر مدیریت پارک هاست، پیگیری های لازم برای ایجاد سالن ورزشی و چمن انجام خواهد شد. «چهارشنبه های خدمت» طرحی است که از سوی شهرداری منطقه ۷ با حضور اعضای شورای اجتماعی هر محله در ساختمان شهرداری برگزار می شود. گاهی نیز مسئولان به بهانه این جلسات به منزل شهدای منطقه می روند و ضمن تجلیل از مقام این شهدا به مشکلات مردم رسیدگی می کنند.

که کتابی در دست دارد. دودختر کوچکش با خنده و شادی در مقابلش مشغول بازی هستند. نرگس منوری، لحظه‌ای نگاهش را از کتاب برمی‌دارد و می‌گوید: این بوستان برای من مانند یک پناهگاه آرام است. چون خانه‌ام نزدیک اینجاست، معمولاً ساعتی از روز را اینجا می‌گذرانم، مطالعه می‌کنم یا جدول حل می‌کنم تا بچه‌ها هم بازی کنند و انرژی‌شان را تخلیه کنند.

او می‌افزاید: واقعا جای تعجب دارد که در فضایی به این وسعت، تنها یک آبخوری، آن هم با دوشیر در ابتدای بوستان وجود دارد. وقتی وسط پارک هستیم یا نزدیک محوطه بازی، دسترسی به آب برای سالمندان سخت است. دخترهای من به دنبال هم می‌دوند و بطری‌هایشان را آب می‌کنند ولی بارها دیده‌ام که بانوی سالمندی از آن‌ها خواسته است برایش آب ببرند. در بخشی از روز قسمت پایین‌تر پارک سایه بیشتری دارد و مکان بهتری برای نشستن است.

در گوشه‌ای دیگر از بوستان، زنی میان سال که نگاهی خسته دارد، نوع گلایه‌اش فرق می‌کند. خانم ایازی درباره تجربه استفاده‌اش از سرویس بهداشتی می‌گوید: متأسفانه وضعیت سرویس‌های بهداشتی چندان مناسب نیست. نظافت خوبی ندارد و گاهی بوی نامطبوعی هم در فضا پخش می‌شود. او یادآور می‌شود: وقتی فضایی را به عنوان مکان امن و اختصاصی برای بانوان معرفی می‌کنند، انتظار داریم که حداقل استانداردهای بهداشتی رعایت شود.

● نصب آبخوری جدید تا پایان سال

رئیس اداره فضای سبز شهرداری منطقه ۸ توضیح می‌دهد: برای نصب آبخوری در بخش‌های دیگر بوستان بانوان کوهسنگی، با محدودیت‌هایی در زمینه شبکه آبیاری و تأمین آب شرب مواجه بودیم. به همین دلیل، تنها یک آبخوری در ورودی مجموعه نصب شده است.

سید محمود ثریایی ادامه می‌دهد: امیدواریم با تأمین اعتبار لازم و اجرای عملیات عمرانی، تا پایان امسال، امکان نصب آبخوری دوم در محدوده ویژه بانوان فراهم شود.

او درباره وضعیت نظافت سرویس‌های بهداشتی نیز می‌گوید: تذکرات لازم به پیمانکار داده شده و کارشناس بخش بانوان موظف شده است وضعیت نظافت را به طور منظم رصد کند. مقرر شده است که نظافت سرویس‌ها هر روز در چند نوبت انجام گیرد تا رضایت مراجعه‌کنندگان جلب شود.



● با خودم آب معدنی می‌آورم

بانویی حدوداً سی ساله با لباس ورزشی روشن، در سایه یکی از درختان مشغول نرمش است. گاهی نسیم کوتاهی می‌وزد و برگ‌های درختان را به آرامی تکان می‌دهد. او هر چند دقیقه، دست از تمرین می‌کشد و با نگاهی نگران به سمت آبخوری در ورودی پارک چشم می‌دود. سمیه وطن‌خواه می‌گوید: من به طور منظم برای ورزش به اینجا می‌آیم. بودن در فضای ویژه بانوان باعث می‌شود احساس آرامش بیشتری داشته باشم. اما کمبود امکانات اولیه، مانند همین آبخوری، واقعا آزاردهنده است.

او ادامه می‌دهد: وقتی ورزش می‌کنم، نیاز دارم آب بنوشم ولی معمولاً مجبورم منتظر بمانم تا صف خلوت شود یا از خیر پرکردن قمقمه بگذرم. حتی گاهی در کوله‌پشتی‌ام به جز قمقمه‌ام، آب معدنی گذاشتم.

● مسیر طولانی تا تنها آبخوری پارک

کمی آن طرف‌تر، روی یکی از نیمکت‌ها زن جوانی نشسته است

بانوان بوستان شهربانوی کوهسنگی
از کمبود امکانات این مکان گلایه‌مندند

صف کشیدن جلوی آبخوری

نجمه موسوی‌زاده از در بوستان شهربانوی کوهسنگی که وارد می‌شوید، چند کودک در مقابل تنها آبخوری پارک صف کشیده‌اند. مربی‌شان یکی یکی لیوان‌های آب‌رپر می‌کند و به دستشان می‌دهد. تعدادشان زیاد است و به نظر می‌رسد گروهی از یک مهدکودک باشند. کمی آن طرف‌تر، چند خانم منتظرند تا نوبتشان برسد و بطری‌هایشان را پر کنند. این تصویر تکراری انتظار در صف آب، بهانه‌ای شد برای تهیه گزارشی از تنها آبخوری فعال در فضای ویژه بانوان پارک کوهسنگی که این موضوع چند بار از سوی شهروندان با شهرآرامحله در میان گذاشته شده است.



پاسخ به نیاز مردم در بوستان خیابان سرشور

پروژه احداث سرویس بهداشتی در بوستان شهید دهقانی با هدف پاسخ‌گویی به نیازهای شهروندان و زائران آغاز شد. این پروژه شامل شش چشمه سرویس بهداشتی با زیربنای چهل متر مربع در حال اجراست. با توجه به بازرپ‌پذیر بودن خیابان سرشور و حجم زیاد تردد در آن، این پروژه در کمترین زمان ممکن به بهره‌برداری خواهد رسید.

آمادگی بانوان محلات برای امداد و نجات

جلسه آموزشی امداد و نجات ویژه اعضای شورای اجتماعی محلات برگزار شد. هدف این جلسه ارتقای توانمندی‌های فردی و آمادگی در شرایط بحرانی بود که در سالن جلسات شهرداری منطقه ۸ برگزار شد. این برنامه آموزشی با تدریس یکی از سفیران گروه دوام ثامن منطقه ۱۸ اجرا شد و شرکت‌کنندگان دوره فشرده همگانی را گذراندند.

هدایت آب‌های سطحی در تقاطع بولوار کوهسار و نماز

عملیات اجرایی پروژه هدایت آب‌های سطحی در تقاطع بولوار کوهسار و نماز با اعتباری بالغ بر ۲۵ میلیارد ریال در این منطقه به پایان رسید. در این پروژه، ۱۱۰ متر لوله‌گذاری با سایز هزار میلی‌متر و همچنین ۱۲۰ متر لوله‌گذاری با سایز ۵۰۰ میلی‌متر، عملیات خاک‌برداری با حجم ۳۵۰ متر مکعب و بتن‌ریزی ۲۰۰ متر مکعب انجام شده است.



در جلسه شورای اجتماعی محله امام‌رضا(ع) مطرح شد

لزوم هم‌افزایی شهرداری و آموزش و پرورش

موسوی‌زاده جلسه اخیر شورای اجتماعی محله امام‌رضا(ع) در دفتر حبیب صادقی، رئیس آموزش و پرورش ناحیه ۲ مشهد برگزار شد. حاضران در این جلسه بر لزوم هم‌افزایی میان ظرفیت‌های محله و آموزش و پرورش تأکید کردند. در این جلسه، موضوعاتی چون تلاش برای کاهش آسیب‌های اجتماعی با ارائه آموزش‌های روان‌شناختی به اهالی، ارتقای مسائل بهداشتی در مدارس و مدیریت تعارضات رفتاری نوجوانان بررسی شد. همچنین بر اهمیت همکاری‌های مستمر بین شهرداری و آموزش و پرورش برای دستیابی به نتایج مؤثر در این زمینه‌ها تأکید شد.



روایتی از مسجد حمزه سیدالشهدا (ع) که کارخ

مأمّن نوجوانان



آغاز اتفاقات خوب در مسجد

صحبت هایمان به تشکیل کانون حمزه سیدالشهدا (ع) و هیئت مجانب الزهرا (س) که می رسد علیرزاده سعید ثاقب فرد را که مسئول کانون است، به مامعرفی می کند و باخنده می گوید: فعالیت های کانون کمی را کدشده بود. یعنی تازه شروع کرده بودیم و ایده خاصی هم نداشتیم اما وقتی سعید آمد، همه چیز تغییر کرد. می توان گفت فعالیت ها به قبل و بعد از آمدن سعید تقسیم می شود.

ثاقب فرد متولد ۶۴ و بزرگ شده همین محله است. او از همان لحظه اولی که کلنگ مسجد را زدند، حضور داشت. از وقتی هم که مسئولیت کانون را به عهده گرفت تا حالا حساسی مشغول فعالیت بوده است. آقا سعید هم زمان با مسئولیتی که دارد، از سال ۱۴۰۱ به همراه هادی بهمن، عضو هیئت امنای مسجد هم شده است. رفاقت و همکاری این دو نفر اتفاق های خوبی را برای مسجد و نوجوانان رقم زد. در همه فعالیت های می توان رد پای این دو دوست را دید.

آقا سعید روایت های زیادی از کانون و هیئت دارد؛ از میان آن ها همین بس که کانون نشان وقتی هنوز استان خراسان به شمالی و جنوبی و رضوی تقسیم نشده بود، توانست مقام چهارم را بین کانون های فرهنگی به دست بیاورد. همچنین در سال ۸۵ مقام اول را بین کانون های خراسان رضوی به دست آورد و مبلغ ۲ میلیون و ۱۵۰ هزار تومان جایزه دریافت کرد. اردیبهشت امسال نیز از بین هشتصد مجموعه فرهنگی که از سراسر خراسان رضوی در جشنواره اوقاف شرکت کرده بودند، مقام اول را به دست آورد و به مرحله رقابت کشوری راه یافت.

ثاقب فرد روی صندلی جابه جایی می شود و بالحنی که هیجان در آن موج می زند، درباره جایزه ای که سال ۸۵ برنده شده اند، توضیح می دهد: با آن پول هفت دستگاه رایانه خریدیم که در آن زمان کار چشمگیری محسوب می شد. فعالیت ها و جذب جوانان به کانون در تابستان ها، آن قدر زیاد بود که بارها از کانون آن ها خواسته شد در جلسه هایی که از سوی مرکز رسیدگی امور مساجد تشکیل می شود، راهکارهایشان را به سایر مساجد ارائه کنند. آن ها جشن ها و نورافشانی هایی را در این سال هادر بوستان طرق برگزار کرده اند که هنوز یاد و خاطره اش در ذهن اهالی هست.

سمیرا منشادی در هر مناسبتی که برنامه داشته باشند، کلیپ ها و عکس های حرفه ای در فضای مجازی منتشر می کنند. سرافشان را که می گیریم، می رسمیم به سه نفر. سعید ثاقب فرد، مسئول کانون حمزه سیدالشهدا (ع)، حجت الاسلام والسلمین غلامرضا علیرزاده، اولین امام جماعت مسجد و محمد طالبی، قدیمی ترین عضو هیئت امنای این مسجد.

یک روز گرم مرداد مهمان مسجد شان می شویم؛ مسجدی که حرف اول را در آن نوجوانان و جوانان می زنند و برنامه ها را پیش می برند. حالا هم که برای گفت و گو با مسجدی های حمزه سیدالشهدا (ع) که یکی از اولین و قدیمی ترین مساجد محله انقلاب و بهارستان است، آمده ایم، باز هم دوربین به دست، مشغول عکاسی و تهیه فیلم هستند. وعده می دهند که مصاحبه مان به نیمه نرسیده، کلیپ های حرفه ای و عکس های مصاحبه مان را در فضای مجازی بارگذاری کرده اند. ساخت مسجد حمزه سیدالشهدا (ع) در دهه ۷۰ آغاز شده و ساختش حدود بیست سال طول کشیده است. اما اهالی از همان روز اول برای انجام فرایض دینی، در این مسجد معطل نکردند و در کنار ساخت و ساز، نماز شان را اقامه کرده اند. حالا این مسجد بزرگ ترین و باشکوه ترین برنامه ها را در محله برگزار می کند.



داستان جلد

جوانان فعال دهه هفتادی

مسجد در این سال ها آهسته اما به طور مداوم در حال ساخت بوده است. در کنار این ها فعالیت های هم شکل گرفت و هر روز پررنگ تر شد. حجت الاسلام والسلمین غلامرضا علیرزاده متولد ۱۳۴۴ و اولین امام جماعت این مسجد است. از همان روز که آمده تا امروز حتی یک نوبت نماز مسجد را رنگ نگذاشته است. حتی در روزهای سرد زمستان که موتورش روشن نمی شده تا از خانه به مسجد بیاید، به موقع برای اقامه نماز حاضر می شده است. علیرزاده با چاشنی خنده و شوخی حرف می زند، طوری که هر شنونده ای را جذب می کند. اصلا همین خوش رویی و خوش اخلاقی اش است که سبب شده چه با جوان دهه ۷۰ و چه با نوجوان دهه ۹۰ حسابی دوست و رفیق باشد.

علیرزاده از زمانی که وارد مسجد شده و اولین نمازش را اقامه کرده، خاطره زیبایی دارد که برایشان این طور نقل می کند: اولین روزی که آمدم، شهرپور و هوا بارانی بود. ضربی سقف زیرزمین رازده بودند. در نگاه اول که وارد زیرزمین شدم، دیدم قابلمه و استامبولی بئایی و... گذاشته اند تا آب باران روی سر نمازگزاران نریزد. برایم قشنگ بود که در چنین وضعیتی، نماز اول وقتشان ترک نمی شود.

علیرزاده درباره شکل گیری کانون حمزه سیدالشهدا (ع) که ارتباط خوبی با جوانان دهه ۷۰ پیدا کرده است، این طور توضیح می دهد: در آن دهه، خانواده ها جمعیتشان زیاد بود و نوجوانان و جوانان محله نیازمند فعالیت فرهنگی بودند. صحبتی با هیئت امنای آن زمان انجام دادم و آن ها هم فضایی صد متری را به کانون فرهنگی اختصاص دادند.

جوانان فعال بسیاری در دهه ۷۰ کار فرهنگی را در کنار این امام جماعت خوش فکر به دست گرفتند که حالا افراد موفقی در جامعه هستند. جلسه قرآن به دست همین جوان هادر کنار امام جماعتشان شروع شد؛ البته این جوانان آن موقع کودک و نوجوان بودند. این جلسه را ابتدا رضا حمدیان و بعد جواد جاوید نیا اداره می کرد و محمد محمودی هم مسئول فرهنگی کانون مسجد بود. از دستاوردهای همین گروه اولیه، تشکیل هیئت مجانب الزهرا (س) در سال ۷۶ بوده که امروز یکی از هیئت های بزرگ منطقه است.

همت کارگران نخریسی

محمد طالبی مویی سپید کرده است و در آستانه هشتاد سالگی قرار دارد. او از دوران جوانی وارد کارخانه نخریسی و از همان جا بازنشسته شده است. هنگامی که کارخانه، به کارگزارانش قطعه زمینی داد، به او هم یک قطعه رسید. او با ساخت این زمین، ساکن محله انقلاب شد که آن روزها سرو شکل امروزی اش را نداشت و بیشتر زمین های خاکی در آن دیده می شد. آن زمین ها بین کارگران قرعه کشی و قطعه ها و محدوده هایی مانند مسجد، حمام، مرکز تجاری و... مشخص شد.

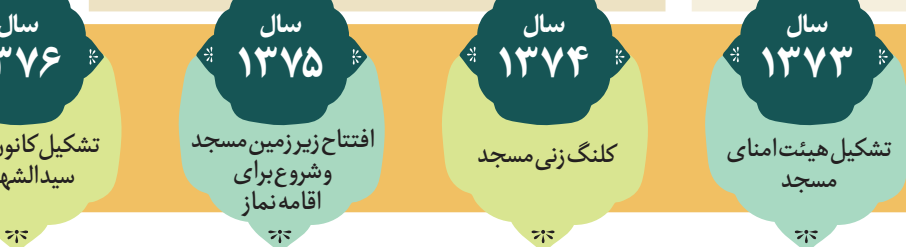
از آنجایی که اهالی به دنبال ساخت مسجد بودند، قبل از واگذاری زمین، هیئت امنای مسجد را در سال ۱۳۷۳ تشکیل دادند. طالبی هم به عنوان یکی از اعضا انتخاب شد. آقا محمد طالبی جزو قدیمی ترین های این مسجد است که در جریان همه مراحل ساخت قرار دارد. او از روند ساخت مسجد این طور برایشان تعریف می کند: کلنگ ساخت را سال ۷۴ با حضور مسئولان شهری زدند. هیئت امنای بعد از این مراسم باشکوه، برای گرفتن پروانه و ساخت اقدام کردند. بخش بزرگی از هزینه ها را مردم و بخشی را کارخانه نخریسی و تعاونی مسکن تقبل کردند تا این بنا شکل بگیرد.

ساخت و تکمیل مسجد بیست سال طول کشید. طالبی به این قسمت از حرف هایش که می رسد، خاطره ای را مرور می کند و می گوید: گودبرداری مسجد انجام شده بود. دورتادور زمین پراز خاک بود. مردم گوشه ای چادر زدند. مراسم دهه اول محرم آن سال را در همان چادر برگزار کردیم. تا اینکه سال ۷۵ زیرزمین مسجد آماده شد و اولین نمازمان را در زیرزمین خواندیم.

هیئت امنای مسجد، برای جمع آوری هزینه ساخت، با دسته قبض های ۵۰ تا ۵۰۰ تومانی به در خانه اهالی محله می رفتند و از مردم می خواستند در ساخت مسجد و این امر خیر مشارکت کنند. او ظرفیت مسجد را سیصد نفر می داند و می گوید: کل زمین ۵۸۰ متر است که در دو طبقه به متراژ ۳۸۱ متر بنا شده است. آشپزخانه، خانه خادم، بالکن و حیاط و شبستان، بخش های مختلف مسجد است.



خط سیر مسجد در یک نگاه



خانه نخریسی و کارگزارانش بانی ساخت آن بودند

ن محله انقلاب



رسانه در کنار برنامه های فرهنگی

یکی از کارهایی که ثاقب فرد پی آن را گرفت، اضافه کردن فعالیت های رسانه ای به کارهای کانون بود. او می گوید: رهبر معظم انقلاب فرمودند هرکاری که انجام می دهید، پیوست فرهنگی داشته باشد. ما علاوه بر کار فرهنگی، پیوست رسانه ای هم به کارمان اضافه کردیم. ابتدا هیئت امنای فضای زیر راه پله را به کانون دادند. اما هنگامی که کارها را دیدند، موافقت کردند که فضا و امکانات و تجهیزات بهتری در اختیارمان قرار بدهند. حالا از نوجوانان می خواهیم هر مراسمی داریم، عکس و فیلمش را تهیه کنند. علاوه بر آن بچه ها کارهای فراوانی برای سازمان تبلیغات و سایر نهادها انجام داده اند؛ کارهای درجه یکی که حرفی برای گفتن دارد.

کانون «هور»، جایی برای درخشش

در کنار کانون حمزه سیدالشهدا^(ع) کانون «هور» را در سازمان تبلیغات اسلامی به ثبت رسانده اند. هور در سه بخش فرهنگی، رسانه و هیئت برنامه های مختلفی را اجرا می کند. برنامه هایی که هر روز هفته در حال اجرا است. آن طور که یک لحظه مسجد خالی از شرکت کنندگان در کلاس هایش نیست.

«هور پلاس» بخشی از هور است که جزیی تر اخبار مسجد را پوشش می دهد و کارهای فرهنگی و رسانه ای بچه ها در آن بارگذاری می شود. هور پلاس شامل رادیو هور، هور گراف، آپاراتچی و استودیو هور می شود. آن طور که این مسئول کانون فرهنگی توضیح می دهد حدود ۳۰ دختر و پسر فعال در بخش رسانه هور و هور پلاس فعالیت دارند. اما در مجموع در برنامه هایشان ۳۵۰ دختر و پسر فعالیت دارند.

یکی از برنامه هایی که به تازگی این مسجد برای کودکان و نوجوانان رقم زده برپایی چای خانه حضرت رقیه^(س) است. چای خانه ای که با سه کودک و نوجوان و همراهی یک بزرگتر اداره می شود و قرار است برای اولین بار سالروز شهادت حضرت رقیه^(س) کارش را شروع کند.

به جای بازی در خیابان

تعدادشان کم نیست. ۱۰ نفرند. از ابتدایی که مصاحبه را شروع کرده ایم کنار بزرگ ترها نشسته اند. شیطننت متناسب سنشان یک دم آرامشان نمی گذارد. حالا که نوبت آن ها رسیده است تا از خودشان و کارهایشان بگویند، همه هم نظرند که محمد مهدی الهیان صحبت کند. او خوش صحبت است. خصلت یک لیدر را هم دارد. ابتدا دوستانش را معرفی می کند. علی انصاریان پور، مجتبی الهیار، عرفان اسلام نژاد، سهیل جلیلی، سهنت و... در ضمن صحبت هایش، دوستانش با سر حرف هایش را تأیید می کنند. محمد مهدی می گوید: ما هم محله ای،

هم مدرسه ای و هم بازی هستیم. حدود سنی مان هم به طور تقریبی پانزده سال است. سعید آقا و آقا بهمن پیشنهاد کردند به جای بازی در خیابان، بیاییم و کار هنری مثل عکاسی و رسانه یاد بگیریم. راستش از اینکه در خیابان بازی کنیم، خیلی بهتر است. هم کار یاد می گیریم و هم فضای بازی ای به بزرگی مسجد داریم.

تایستان ها که وقتشان بیشتر است، از ۹ یا ۱۰ صبح می آیند و ۹ شب از مسجد بیرون می روند. زمان مدرسه هم بعد از تعطیل شدن مدرسه راهی مسجد می شوند. خانواده ها که محیط مسجد و بزرگ ترهایش را می شناسند، خاطرشان جمع است که فرزندانشان در محیطی فرهنگی رشد می کنند. بچه ها هر کدام از کارهای رسانه ای می گویند که انجام داده اند، و خوشحال اند که کسب درآمد داشته اند؛ درآمدی که صرف خرید وسایل و تجهیزات عکاسی شده است. محمد مهدی می گوید: زمانی که مسجد برنامه دارد، طبق برنامه مسئولیت هرکسی مشخص است. سعید آقا کار را از من می خواهد و به همان نسبت من از بچه هایی که مسئولیت دارند، کار را می خواهم.

قبل از برنامه دوربین ها و سیستم صوت و... را آماده می کنند. حین مراسم از تهیه چای و پذیرایی و شستن استکان ها و... همه با همکاری همین نوجوان ها و جوان ها اداره می شود.

تایستان دخترانه

الهام غفوریان دوسال است مسئول بخش دختران کانون حمزه سیدالشهدا است. در همین محله بزرگ شده و از زمان افتتاح مسجد تا به امروز در مسجدشان فعال بوده است. او مادر دود دختر است و تجربه ارتباط گرفتن با دختران را دارد. از این رو

با آمدنش جمعیت دختران هم در کارهای فرهنگی پررنگ تر شده است. از گذاشتن دورهمی های دخترانه هر پنج شنبه، تا کلاس های آشپزی و شیرینی پزی، اردوها، سینما و استخر تا گشت و گذار دسته جمعی در باغ گیاه شناسی و بوستان ریحانه از جمله فعالیت هایش است. فهرست کلاس های تایستانی شان متنوع و زیاد است که از آن جمله می توان به کلاس حفظ تخصصی قرآن کریم، ریاضیات، چرتکه، نقاشی با مداد رنگی، خیاطی بدون الگو، شمع سازی، عروسک بافی، جواهردوزی، آشپزی و شیرینی پزی و... اشاره کرد.

دخترها هم باید در مسجد نقش داشته باشند

غفوریان معتقد است زمان آن رسیده است که در کنار مردان و پسران، دختران هم فعالیت داشته باشند. او حرفش را این گونه ادامه می دهد: دختران ما کمتر فضایی برای شادی و فعالیت اجتماعی دارند. بیشتر در خانه هستند. داشتن چنین فضاهای امنی به خانواده هایشان این امنیت خاطر را می دهد که در محیط امنی فعالیت دارند.

در مراسم حدود بیست دختر فعالیت دارند و در مجموع ۶۵ نفر از این دختران در اردوها و سرگرمی ها حاضرند. لایه لای صحبت هایش اشاره می کند که اعتکاف دخترانه ای که داشتند، سبب حضور بیشتر دختران در مسجد شده است؛ اعتکافی شاد و دخترانه همراه با سرگرمی و تفریح که سبب شده است آن ها بیشتر جذب مسجد شوند.

درباره اینکه چگونه می توانند دختران را جذب دختران نوجوان موفق باشد، این گونه توضیح می دهد: با تشویق به کارهای خوب مثل شرکت در نماز جماعت و... و به طور کلی، ایجاد حس رقابت برای امتیاز بیشتر و جایزه گرفتن. دختران در اینجا با کارهایی که انجام می دهند، استعدادیابی می شوند و مسئولیت های مختلف در زمینه توانایی شان به آن ها محول می شود.

حضور مان بدون مانع نبود

عطریین احمدزاده شانزده سال دارد و از زمان اعتکاف، رفت و آمدش به مسجد بیشتر شده است. می گوید اگر حمایت های خانم غفوریان نبود، آن هانمی توانستند امروز برای گفت و گو با ما بیایند. بزرگ ترها مسئولیتی به دختران نوجوان نمی دادند اما حالا آن ها کارهای نمی بینند تا دختران مراسم را به دست بگیرند.

این دختر نوجوان مربی نقاشی بخش کودک است و در این باره می گوید: پانزده شاگرد دارم. دخترانی علاقه مند و با پشتکار که برای یادگیری مشتاق هستند.

استعدادیابی در کار فعالیت مسجدی

زینب طاهریان چهارده ساله هم سه سالی هست که به مسجد می آید. او نقطه قوت مسجد را استعدادیابی بچه ها می داند و مسئولیت هایی که متناسب با استعدادشان به آن ها سپرده می شود. از اینکه در حسینیه کودک با شعر، قصه، نقاشی و داستان های متناسب با هر مناسبتی، کودکان را سرگرم می کنند، لذت می برد.

او می گوید: بخشی از کارمان در مراسم پذیرایی است. بزرگ ترها اجازه داده اند کنارشان باشیم. این کمتر در مساجد دیگر اتفاق می افتد. فراهم شدن این زمینه فرصت خوبی برای ماست که بتوانیم استعداد هایمان را نشان بدهیم و اینکه ما هم به اندازه پسرهای توانیم در کارها مشارکت داشته باشیم.

سال
۱۴۰۴

ایجاد چای خانه حضرت رقیه^(س)
+ کسب مقام برتر در جشنواره اوقاف

سال
۱۴۰۲

تشکیل استودیو و کانون «هور»
و «هور پلاس» و پررنگ شدن فعالیت دختران

سال
۱۳۸۵

کسب مقام برتر خراسان
رضوی توسط کانون حمزه سیدالشهدا^(ع)

سال
۱۳۸۵

کسب مقام برتر خراسان
رضوی توسط کانون حمزه سیدالشهدا^(ع)

ابوالفضل غفوری نیم قرن خاطراتش از محله سرشور را مرور می کند

همسایگی با قبرستان روس ها



ایستگاه
اول

نجمه موسوی زاده از وقتی چشم باز کرد تا حالا، کوچه پس کوچه های محله سرشور برایش مثل آلبومی از خاطرات بوده اند؛ کوچه هایی که در آن ها بازی کرده، قد کشیده و هنوز هم وقتی از کنارشان عبور می کند، تکه ای از کودکی اش را روی در و دیوار و هر گذرش می بیند. هرچند خیلی از خانه ها، آدم ها و کوچه ها دیگر نیستند، تصویرشان هنوز در ذهنش زنده است. ابوالفضل غفوری متولد ۱۳۵۱ از خاطرات شیرین گذشته اش می گوید.



خانه ای که در آن زندگی می کنم، روبه روی کوچه سرشور ۳۸ قرار دارد. ملک پدری ام است و قدمتش به بیش از صد سال می رسد؛ خانه باغی بزرگ که در گذشته مترازش به هزار و ۵۰۰ متر می رسید. یادم هست وقتی بچه بودم، در حیاط خانه یک آب انبار داشتیم. آن زمان ها که آب لوله کشی قطع می شد، همسایه ها می آمدند از آب انبار ما آب برمی داشتند.

ایستگاه
دوم

روبه روی خانه مان، زمینی که حالا در آن هتل آپارتمان ساخته شده است، گذشته ای متفاوت دارد. اینجا زمانی کارخانه برق بازار سرشور بود و برق همین محدوده را تأمین می کرد. من و برادر من جوان که بودیم، می رفتیم داخل سوله اش تا موتور برق دیزلی اش را ببینیم. سروصدایش آن قدر زیاد بود که حتی تا داخل خانه هم صدایش می آمد.



ایستگاه
سوم

ایستگاه
چهارم

مکانی که امروز پارک دانش است، در گذشته قبرستان روس ها بود. موقعی که بچه بودم، زنی سرایدار قبرستان بود که هفت هشت سگ داشت؛ سگ هایی که نگهبانان قبرستان بودند و نمی گذاشتند ما بچه ها اطراف آن بازی کنیم. هر وقت از بین دیوارها داخل رانگاه می کردیم، باید دو پا قرض می گرفتیم تا از دست سگ ها فرار کنیم!



ایستگاه
پنجم

سرشور ۳۹، جایی که امروز پارک کوچکی در آن ساخته شده، آن زمان که من بچه بودم، کال قره خان بود؛ گودالی برای جمع کردن آب سیلاب. بعضی کولی ها با حلب و وسایل بازیافتی، کنار گودال آلونک درست کرده بودند. مادر من اجازه نمی داد من و برادر من از آنجا رد شویم.



ایستگاه
ششم

دبستان حکمت، اولین مدرسه ام بود. الان بخشی از آن مرکز نیکوکاری شده و بخش دیگرش دبیرستان میرزا کوچک خان است. سال ۵۷ کلاس اول بودم که مردم در خیابان ها علیه شاه شعار می دادند. مدیر و ناظم در مدرسه را بستند تا بچه ها در امان باشند. من و برادر بزرگ ترم از دیوار پشتی مدرسه بیرون پریدیم و به خانه برگشتیم.

حمام بیگلری یکی نبش سرشور ۲۵، یکی از حمام های تاریخی محله بود. فضای تودرتویی داشت. چند بار پدرم مرا به آنجا برد. زمان بچگی من خزینه ای در کار نبود؛ حمام نمره ای بود با درهای کوتاه. حالا دیگر اثری از آن حمام نیست و جایش رایک پارکینگ طبقاتی مترو که گرفته است.





روایت وقفی که به خاطره‌ای ماندگار تبدیل شده است

بفرمایید آب سرد



شیرآب حیاطمان، شلنگی به بیرون کشیده بودیم تا آن هایتوانند استفاده کنند.

پدر مرحوم حمید آقا که این موضوع را متوجه می‌شود، برای راحتی رانندگان از حیاط منزل تا سر باغچه بیرون، لوله‌کشی آب انجام می‌دهد. بدین شکل شیرآبی بیرون از خانه نصب می‌شود که هر زمان رانندگان و حتی عابران خواستند، می‌توانستند از آن استفاده کنند.

● وقفی ماندگار برای عمه‌ام

او ماجرای وقف آب سردکن را این طور برایمان تعریف می‌کند: عمه‌ای داشتم که ازدواج نکرده بود. بیماری داشت و بعد از مدتی هم فوت کرد. پدرم برای باقیات الصالحات خواهرش آب سردکنی خرید و نزدیک همان شیرآب نصب کرد. حالا رانندگان و عابران می‌توانستند آب سرد میل کنند. این آب سردکن تا چند سال قبل هم برقرار بود. اما شهرداری برایمان اخطار زد که آب سردکن سبب سد معبر برای همسایه‌ها شده است. ما هم آن رایبه داخل خانه منتقل کردیم و شیرآب را از دیوار حیاط به بیرون گذاشتیم.

او می‌گوید: البته دیگر میوه فروش‌های و انتی هم نیستند و اینجا خیابان کشتی شده است، اما هنوز رهگذاران و بچه‌هایی که در کوچه بازی می‌کنند می‌دانند که اینجا، آب سرد هست و هر زمان که بخواهند به سراغش می‌آیند.

تازمانی که پدر بود، هزینه آب سردکن را روی مبلغ آب ماهیانه‌شان پرداخت می‌کرد و حالا هم حمید آقا با جان و دل این کار را انجام می‌دهد.

گند مزار بود و باغ‌های میوه. روزگاری که صدای گنجشک‌ها بیشتر از صدای ماشین‌ها بود. آن زمان که اهالی برای ساعتی استراحت نیاز نبود تا خارج شهر رانندگی کنند. آن هاکنار همین زمین‌های کشاورزی می‌نشستند و با خوردن یک قاچ هندوانه یا خربزه، خستگی روزمره را از تن بیرون می‌کردند.

خواج‌ه‌ایم مقدم برایمان روایت می‌کند: دهه ۷۰ بود که ماشین‌های میوه مقابل خانه مان می‌ایستادند. تعدادشان خیلی زیاد بود. شاید نزدیک به پنجاه شصت وانت که هر کدام از صبح می‌آمدند و تا شب میوه و سبزی می‌فروختند. زمستان و تابستان هم نداشت. این رانندگان میوه فروش گاهی به در خانه مان می‌آمدند و آب می‌خواستند برای چای درست کردن یا برای وضو گرفتن. ما هم از



سمیرا منشادی می‌گویند بعضی چیزها نه ساخته می‌شوند، نه کاشته. خودشان سر جایشان سبز می‌شوند. درست همان جا که باید باشند. مثل درختی در بیابان. مثل سایه‌ای وسط داغی ظهر. مثل وقفی که ماندگار می‌شود.

ظهر یک روز کش دار تابستانی است. از همان روزهایی که آفتاب، آسفالت را به مرز خمیری شدن می‌رساند و کوچه از نفس می‌افتد؛ درخت توت کنار دیوار، برگ‌هایش را از گرما به باد می‌سیارد. از دل دیوار آجری، شیرآبی بیرون زده است. نوشته‌ای محو دیده می‌شود و اگر درست نگاه کنی، عبارت «آب سرد» به چشم می‌خورد.

رهگذاران خسته، در میان دود و آفتاب و شلوغی، اینجا پناهی پیدا می‌کنند؛ جرعه‌ای برای خنکی جان. لحظه‌ای برای تازه کردن نفس. این آب ساده یاد مردی را زنده نگهداشته است که سال‌ها پیش نیت کرده بود لب‌های تشنه‌ای را سیراب کند؛ مردی که حالا نیست. امانیت پاکش هنوز در کوچه جاری است. این آب سردکن وقف پدر حمید خواج‌ه‌ایم مقدم برای خواهر مرحومش است که حالا هر جرعه آیش، فاتحه‌ای بی صداست و هر لیوانش «خدا بیامرزی» ای که از دل یک کوچه بیرون می‌آید.

● آب سرد برای رانندگان و اهالی

حمید خواج‌ه‌ایم مقدم در محله کوی کارگران متولد شده است. در آن سال ها که خانه‌شان را در چمن ۱۳ خریدند، تا چشم کار می‌کرد.

نوجوان محله امام رضا (ع) اوقات فراغتش را با کلام الهی پر کرده است

قاری‌ای که حافظ قرآن شد



نجمه موسوی زاده | هر زمان نوبت تلاوت قرآن در صف مدرسه به او می‌رسید، سکوتی شیرین فضا را پر می‌کرد. صدای محمد رضا آن قدر دل نشین بود که همه بچه‌ها دوست داشتند تلاوتش ادامه داشته باشد. معلمش که این استعداد را دید، به او گفت: «تو که قاری خوبی هستی، حیف است حافظ قرآن نشوی.»

همین جمله جرعه‌ای در ذهن محمد رضا فیض آبادی نوجوان چهارده ساله محله امام رضا (ع) زد؛ حالا او علاوه بر اینکه توانسته در پایه ششم و هفتم، مقام دوم و سوم مسابقات تلاوت را در سطح ناحیه ۴ آموزش و پرورش کسب کند، حافظ سه جزء قرآن کریم نیز هست.

● تلاوت قرآن را از چه سنی و به چه شکلی آغاز کردی؟

کلاس دوم بودم که به کلاس‌های آموزش روخوانی و روان خوانی قرآن در مسجد حضرت محمد (ص) می‌رفتم که نزدیک خانه مان قرار دارد. روخوانی ام که خوب شد، علاقه ام به قرآن بیشتر شد و در کلاس صوت و لحن نیز ثبت نام کردم.

● حفظ قرآن را چگونه شروع کردی؟

چون از قبل قاری بودم، حفظ برایم آسان تر بود. سال گذشته با تشویق معلمم در کلاس‌های حفظ قرآن مدرسه ثبت نام کردم و موفق به حفظ جزء سی شدم؛ امسال نیز تا لان توانسته ام جزء اول و دوم را حفظ کنم.

● دوست داری چه کسانی از تلاوت یا حفظ قرآن تو تأثیر بگیرند؟

امیدوارم هم سن و سال هایم متوجه شوند که حفظ قرآن کار دشواری نیست و می‌توان حتی با روزی چند آیه شروع کرد. وقتی که می‌بینم دوستانم با تشویق من به کلاس‌های قرآن جذب شده‌اند، خیلی خوشحال می‌شوم.

● فعالیت‌های فرهنگی یا هنری دیگری هم داری؟

بله، عضو بسیج مسجد و مدرسه هستم. همچنین به حوزه نرم افزار علاقه مند و به همین دلیل در کلاس ویرایش فیلم و عکس با موبایل شرکت کرده‌ام تا بتوانم فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی بسیج را ترویج و مستند سازی کنم.

● اوقات فراغت خود را چگونه می‌گذرانی؟

از بچگی به فوتبال علاقه داشتم و در کوچه بازی می‌کردم. حدود دو سالی است که به صورت حرفه‌ای در باشگاه تمرین می‌کنم.

● الگوی زندگی‌ات چه کسی است؟

در اردوی راهیان نور با شخصیت شهید ابراهیم هادی آشنا شدم. این باعث شد کتاب «سلام بر ابراهیم» را بخوانم و این شهید برایم به الگویی مهم تبدیل شد. آرزو دارم همانند او بی‌ریا و خالص خدمت کنم.

● چه برنامه‌ای برای آینده‌ات در نظر داری؟

در برنامه کوتاه مدت، حفظ کل قرآن کریم قرار دارد و امیدوارم تا دوسه سال آینده به این هدفم برسم. بعد از پایان دبیرستان نیز می‌خواهم وارد دانشکده افسری شوم؛ چون پدر بزرگم نظامی بودند و من هم علاقه زیادی به خدمت برای حفظ امنیت کشورم دارم.

● برای حفظ این کار، چقدر در روز تمرین و تکرار انجام می‌دهی؟

هر شب قبل از خواب، دو صفحه از محفوظاتم را مرور می‌کنم و در طول روز نیز هر زمان فرصت داشته باشم، آیاتی را که از حفظ هستم، برای خودم زمزمه و تکرار می‌کنم.

● حافظ و قاری شدن چه تأثیری در زندگی‌ات داشته است؟

مهم‌ترین اثر آن، ارتباط عمیق‌ترم با خدا بود. در ادامه می‌دیدم که احترام اطرافیانم نسبت به من بیشتر شده است و در جمع‌های خانوادگی و محله مان شناخته‌تر شده‌ام، به طوری که در مراسم بسیاری، از من برای تلاوت قرآن دعوت می‌شود.



محله انقلاب

حجت الاسلام مهدی روحانی

نایب رئیس



زهرامحمدیان

نماینده بانوان



حسین مرادی مقدم

رئیس شورا



عباسعلی غلامزاده

نماینده کلانتری



صغریوسفی

نماینده بسیج



علیجان زحمتکار

نماینده مساجد



علی جمعه باقری

نماینده ایثارگران



ترگس بهزادیان فر

نماینده دوام ثامن



محمدرضا ابراهیم زاده

نماینده ساکنان



محمدرضانوروزی

رئیس شورا



حجت السلام عبدالرسول حیدریناه

نماینده مسجد



زهراسادات خطیب

نماینده بانوان



مظاهر الهی

نایب رئیس



نسرین میرزایی

نماینده کلانتری



سعیدرجبلو

نماینده مدارس



علی اکرمی

نماینده ساکنان



محله عنصری

۷

معرفی اعضای شورای اجتماعی محلات

محله انقلاب، عنصری، المهدی، کوی پلیس

محله المهدی

مجید حبیب

رئیس شورا



معصومه کریم زاده

بانوان



جلیل علیجانی

نایب رئیس



سید ابوالفضل حسینی

نماینده ساکنان



جواد عیدی

نماینده ایثارگران



عباس عباس زاده

نماینده ساکنان



طلعت چمن آرا

نماینده مدارس



محبوبه بلوچ پور

رابط دوام ثامن



عباسعلی غلامزاده

نماینده کلانتری



محمد کارگر

نماینده جوانان



محمد جواد ریاضی

نماینده تشکل‌های مردمی



سعیدروبراهان

نایب رئیس



شهریار رنگین کمان

رئیس و نماینده کسبه



اشرف تیموری

نماینده ساکنان



ابوالفضل احسانی

نماینده بهداشت



سید عماد هوشمند حسینی

نماینده تشکل‌های مردمی



حسین صادقی

نماینده کلانتری



طاہره خسروی

نماینده ساکنان



شهناز جزینی

نماینده بانوان



محمدرضا غفاریان دانشمند

نماینده کسبه



محسن غلامی

نماینده بسیج



محله کوی پلیس

